

چین در سه دهه: از اصلاحات اقتصادی تا رهبری جهانی

رشد اقتصادی و تغییرات ساختاری در ۳ دهه سرنوشت‌ساز، چین را از یک کشور فقیر به بزرگ‌ترین اقتصاد تجاری جهان تبدیل کرده است. به‌عنوان فردی فارغ‌التحصیل در رشته برنامه‌ریزی اقتصادی از دانشگاه اقتصاد پکن که از سال ۱۹۹۰ تا به امروز در جایگاه یک فعال اقتصادی و شاهد بر پیشرفت چشمگیر چین حضور داشته‌ام، بر خود لازم دانستم تحلیل‌های خود را با هم‌وطنانم به اشتراک بگذارم تا رهنمودی برای شکوفایی اقتصاد کشورمان باشد.

همه می‌دانیم که هیچ موفقیتی یک‌شبه به دست نمی‌آید؛ بلکه حاصل تلاش، پشتکار، اراده قوی و امید است. چین هم از این تعریف کلی مستثنی نبوده و رشد اقتصادی پایدار آن معجزه نیست؛ بلکه ماحصل شناخت نیازها، تلاش در جهت ایجاد بسترها، پشتکار کافی و مدیریت صحیح در توسعه آنها و در نهایت داشتن امید و برنامه برای چشم‌اندازهایش است.

اصلاحات گشایش و رشد اقتصادی چین در ۴۰ سال، مجموعه‌ای از تجربیاتی را ارائه می‌دهد که می‌توانیم در جهت ایجاد رشد اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه مورد استفاده قرار دهیم.

پیش از آنکه اصلاحات گام‌به‌گام این کشور را شرح دهم می‌خواهم اشاره‌ای داشته باشم به جایگاه چین در دوران مائوتسه تانگ که یک اقتصاد کمونیسمی تک‌حزبی داشت و آمریکا و اروپا، جهان اقتصاد را تسخیر کرده بودند. در آن زمان مائو یک برنامه‌ریزی خودکامه و تک‌محور داشت که شانس هرگونه ارتباط با اقتصاد جهانی را از بین برده بود؛ اما پس از آن چین به دوره‌ای پا گذاشت که از آن به‌عنوان دوره اصلاحات یاد می‌شود.

معمار اصلاحات اقتصادی چین، آقای دنگ شیائوپینگ (رهبر عالی‌مقام از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹) به این امر مهم دست‌یافت که همسایگان کشورش دارای اقتصادی بودند تحت عنوان نظام سرمایه‌داری. پس تصمیم گرفت که با الهام از مدل اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، کشور خود را از بحران و فقر نجات دهد. او اصلاحات مهمی را در تمام جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چین طراحی کرد.

جنبه اقتصادی

همیشه در تمامی صحبت‌هایم به این موضوع اشاره دارم که آنچه از علم اقتصاد از دانشگاه و اساتید چین برای من به‌یادگارمانده معنای اقتصاد در سه کلمه است: مقرون‌به‌صرفه بودن، کمیت و کیفیت نسبی، سرعت نسبی

چین با الهام از مدل اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، دریافت که مقرون‌به‌صرفه بودن تجارت منوط به تولید انبوه است به این معنا که کشورها بر اساس نیاز، منابع سرمایه‌ای و نیروی انسانی انتخاب و سپس انبوه‌سازی بر اساس این سه فاکتور در صنعت منتخب آغاز می‌شود. در ادامه سرعت تولید و کیفیت محصول به دلیل وجود زیر ساخت‌ها به‌موازات هم روند صعودی خواهند

Pamchal

داشت. در کنار تمرکز بر انبوه‌سازی، جوامع توسعه‌یافته به این امر مهم دست یافته‌اند که رشد تعاملی، برای رشد اقتصاد جهانی ضرورت دارد. کشورها از طریق تعامل با یکدیگر تجربه‌های خود را در صنعتی که مورد تخصص آنهاست به دیگری انتقال می‌دهند و دیگر هزینه‌ای برای تجربه مسیر و دستاورد تکراری پرداخت نمی‌کنند. صنعت خودروسازی را در نظر بگیرید که بازار آن در اقتصاد کنونی در دست چین است و در سال 2023، چین با تولید 30 میلیون و 160 هزار و 966 دستگاه به عنوان بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده خودرو در جهان ظاهر شده است. اندازه بازار داخلی، فناوری و زنجیره‌های تامین، خودروسازان خارجی را به دنبال مشارکت بیشتر با تولیدکنندگان چینی سوق داده است. به طوری که شرکت آمریکن موتورز و فولکس واگن از جمله شرکت‌های اولیه بودند که قراردادهای بلندمدتی برای تولید خودرو در چین امضا کردند که منجر به بومی سازی تدریجی خودرو و قطعات آن شد.

جنبه سیاسی

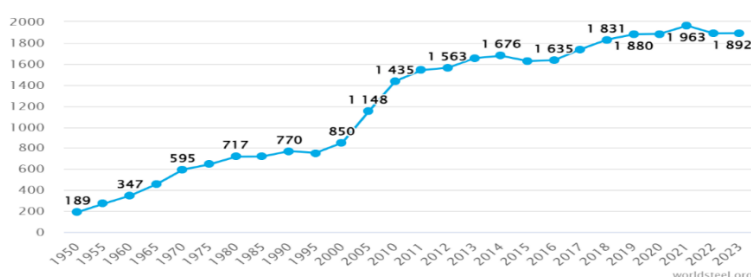
توسعه چهار حوزه کشاورزی، صنعت، علم و فناوری و دفاع ملی

ایده اصلی دنگ شیائوپینگ عدم پرداخت دستمزد یکسان به همه کارگران و پرداخت بر اساس بهره‌وری آنها بود با این نگرش که برای اینکه یک جامعه مصرف‌کننده باشد اول باید تولیدکننده خوبی باشد.

در زمینه کشاورزی بزرگ‌ترین اتحادیه کشاورزان برای چین است که به عنوان یک نهاد کلیدی به توسعه پایدار و بهبود وضعیت کشاورزی این کشور کمک کرده است. به طوری که در سال 2023 نیز بزرگ‌ترین خروجی کشاورزی در جهان متعلق به کشور چین بوده است.

در حوزه صنعت، چین یکی از بزرگ‌ترین و تاثیر گذارترین کشورها در صنایع پتروشیمی و فولادی در جهان است که نه تنها به عنوان یک تولیدکننده پیشتاز در سطح جهانی شناخته می‌شود بلکه در حال توسعه و بهبود فرآیندهای خود برای مقابله با چالش‌های زیست محیطی و افزایش کیفیت محصولات خود است. این کشور پس از اصلاحات بازار دنگ شیائوپینگ در سال 1978، به سرعت صنعتی شدن اقتصادی را تجربه کرد و صنعت فولاد به تدریج تولید خود را افزایش داد.

million tonnes, crude steel production



Pamchal

در حوزه علم و فناوری اقدام به اعزام نیروهای انسانی خود به کشورهای توسعه یافته و صاحب تکنولوژی برای آموزش در جهت توسعه فناوری کشور خود نمود. وی بر این اصل معتقد بود که فقط نمی توان فناوری های اصلی را خریداری کرد؛ بلکه باید در جهت ایجاد آنها نیز قدم برداشت. پس علاوه بر اعزام نیروها برای آموزش، بستر را برای حضور مدیران صاحب منصب در کشور فراهم نمود تا با مدیریت آنها تکنولوژی و فناوری در کشور ایجاد شود. از دهه 1990، چین بر ساخت زیرساخت های فیزیکی مانند جاده ها و بنادر متمرکز شد و در طول دهه 2010، سیاستی اجرا شد که انتقال فناوری را به عنوان شرطی برای شرکت های خارجی که خواهان ورود به بازار چین بودند، الزامی کرد و همچنین زمانی که به این امر پی برد، رشد سریع سطوح بهره وری ایالات متحده ناشی از افزایش استفاده از فناوری اطلاعات در تجزیه و تحلیل مشتری و بهینه سازی زنجیره تأمین است تصمیم گرفت تا سهم تولید ناخالص داخلی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص دهد. برای نوآوری در فن آوری، دولت چین سرمایه گذاران خارجی را تشویق کرد تا مراکز تحقیق و توسعه ایجاد کنند. این رویکرد شامل ارائه مزایایی مانند کمک های مالی برای پروژه های نوآورانه است که با اولویت های توسعه چین همسو بودند. در تصویر زیر نمودار "هزینه تحقیق و توسعه در چین" را طی سال های 1978-2012 مشاهده می کنید.

R&D EXPENDITURE IN CHINA

China has almost tripled the share of GDP devoted to R&D over the past 20 years, although it still remains below that of the U.S.

R&D SPENDING IN BILLIONS OF RMB

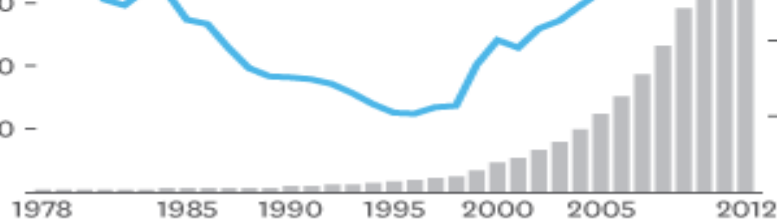
1,000 -

800 -

600 -

400 -

200 -



SOURCE CHINA NATIONAL BUREAU OF STATISTICS

HBR.ORG

در حوزه دفاع ملی: ویژگی متمایز دفاع ملی چین در مقایسه با سایر کشورها در این است که نیروهای مسلح چین از امنیت مشترک، جامع، همکاری و پایدار حمایت می کنند. جمهوری خلق چین از زمان تأسیس خود، هرگز جنگ یا درگیری را آغاز نکرده است. از زمان معرفی اصلاحات و گشایش، چین متعهد به ترویج صلح جهانی بوده و از یک کشور فقیر و ضعیف به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، نه با دریافت کمک های مالی از دیگران و نه با درگیر شدن در توسعه نظامی یا غارت استعماری. در عوض، این کشور از طریق کار سخت مردم و تلاش هایش برای حفظ صلح، توسعه یافته است.

در سال ۱۹۷۸ سه دهه را به‌عنوان اهداف اصلی اصلاحات تعریف کرد؛

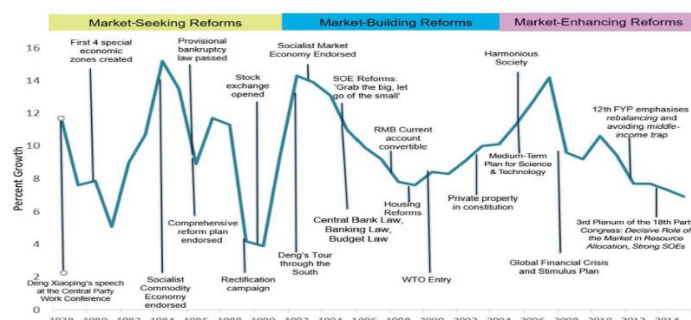


Figure 3.2 Phases of reform
Sources: Wind Database; Hofman and Wu (2009); Gewirtz (2017); Bottelier (2018); various official documents and publications of the Chinese Government.

دهه اول - توسعه بسترها در زمان دنگ شیائوپینگ؛ بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی

- اولین اقدام دنگ شیائوپینگ اجرای سیاست درهای باز باهدف دستیابی به رشد اقتصادی از طریق معرفی فعال سرمایه و فناوری خارجی بود.
- فقط یک کشور قوی و مرفه می‌تواند با اطمینان کامل، درهای خود را به روی دنیای خارج باز کند. این در حالی است که گشایش و باز بودن می‌تواند به نوبه خود قدرت و رفاه بیشتر را به ارمغان آورد. آنچه چین از زمان تصویب سیاست اصلاحات و باز کردن به دست آورده است، کاملاً ثابت کرده که باز بودن یک محرکه مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی آن است.
- دومین گام ایجاد مناطق ویژه اقتصادی - وی به این امر پی برده بود که تعامل با اقتصاد بین‌الملل به کشور کمک خواهد کرد تا از مدیریت و فناوری پیشرفته‌تر استفاده کند. نمودار زیر به شما نشان می‌دهد که این کشور به‌صورت تدریجی چگونه سهم تولید ناخالص خود را از طریق صادرات بالا برده است.



Figure 1.4: China's export share of GDP, 1978-2017
Source: IMF (2018).

Pamchal

- سومین گام وضع مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق ویژه اقتصادی بود که سبب افزایش سرمایه‌گذاری و انباشت فناوری خارجی شد.
- گام بعدی اجرای اصلاحات سیستم اقتصادی از طریق نیرومند کردن شرکت‌ها بوده است. با این شعار که اقتصاد باید از دولت مستقل باشد پس دولت‌ها از سرمایه‌داری کنار زده شوند و بازار به روش خود ادامه دهد. تلاش برای خصوصی‌سازی و شرکت‌مداری
- دنگ شیائوپینگ در خصوص آزادی و حقوق مردم در بخش خصوصی به‌ویژه در زمینه اقتصادی جایگاه ویژه‌ای قائل بود. دنگ معتقد بود که رشد اقتصادی در نهایت به بهبود آزادی‌های فردی و اجتماعی منجر می‌شود و از این منظر، آزادی را به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت می‌دید.

از نظر دنگ، چین باید به سمت مدرنیزاسیون، باز شدن به بازارهای جهانی و جذب فناوری‌های نوین حرکت کند. او بر این باور بود که با ادامه این روند، چین در سال 2030 می‌تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و اقتصادی مهم در سطح جهانی شناخته شود و به جایگاه رهبری در بسیاری از زمینه‌ها دست یابد. به طور کلی، تصور دنگ از آینده چین کشوری پیشرفته، نوآور و با اقتصادی پایدار بود که در آن مردم زندگی بهتری خواهند داشت.

دهه دوم – توسعه اقتصادی در زمان آقای جیانگ زمین و هو جین تا نو

- تأسیس دو بورس اوراق بهادار ملی شانگهای و شنزن باهدف جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، ایجاد یک سیستم مالی مدرن، ادغام چین در اقتصاد جهانی و پیشرفت اقتصادی کشور که در حال حاضر بورس شانگهای سومین بورس اوراق بهادار جهان است. جدول (1)

بازار بورس	سال تأسیس	کشور	ارزش بازار
بورس نیویورک	۱۷۹۲	ایالات متحده	۲۶٫۲ تریلیون دلار
بورس نزدک	۱۹۷۱	ایالات متحده	۲۸٫۸ تریلیون دلار
بورس شانگهای	۱۸۶۶	چین	۶٫۸۷ تریلیون دلار
بورس یورونکست	۲۰۰۰	اروپا	۶٫۶۵ تریلیون دلار
بورس هنگ کنگ	۱۸۹۱	هنگ‌کنگ	۴۳٫۶۴ تریلیون دلار
بورس توکیو	۱۸۹۸	ژاپن	۵٫۶۷ تریلیون دلار
بورس شنزن	۱۹۹۰	چین	۵٫۲۴ تریلیون دلار
بورس لندن	۱۸۰۱	انگلستان	۴٫۱۳ تریلیون دلار
بورس تورنتو	۱۸۶۱	کانادا	۳٫۱ تریلیون دلار
بورس بهیمنی	۱۸۷۵	هند	۳٫۵ تریلیون دلار

- ثابت نگه‌داشتن نرخ یوان در مقابل دلار باهدف اینکه یوان به‌عنوان ارز قابل‌تبدیل برای تراکنش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. یکی از راهکارهای ایجاد ثبات اقتصادی برای کشورها ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز به 2 دلیل می‌باشد (1) جذب سرمایه گذار (2) حفظ صادرات کشور در مقابل واردات

Pamchal

از سال 1994 تا 2005 دولت نرخ یوان را ثابت نگه داشت و حجم تجارت جهانی 8 برابر شد و در این دوره میزان صادرات کشور از 45.7٪ به 65.7٪ افزایش یافت. این در حالیست که افزایش 10 درصدی نرخ یوان بین سالهای 2005 لغایت 2007 باعث کاهش 7٪ صادرات چین شد و اما پس از آن دیگر تغییرات نرخ ارز بر میزان صادرات آن تأثیری نگذاشت و دولت با مدیریت صحیح و تمرکز بر توسعه بسترها به این نتیجه رسید که هرچه سبب صادرات خود را با گذشت زمان به روزتر کند، تأثیر نرخ ارز در صادرات آن کمتر خواهد شد.

▪ پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی تا محدودیت‌هایش در خرده‌فروشی، عمده‌فروشی و توزیع پایان یابد و فعالیت‌های مربوط به بانکداری، خدمات مالی و بیمه برای سرمایه‌گذاران خارجی آزاد شود. پیوستن به WTO به سرمایه‌گذاران اطمینان داد که چین از آنها حمایت خواهد کرد؛ لذا بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خارجی کارخانه‌هایی را در مناطق شهری تأسیس کردند و این امر باعث جذب نیروی مازاد از بخش روستایی شد.

دهه سوم - توسعه فرهنگی در زمان شی جینپینگ

- طرح ایده یک کمربند و یک راه (جاده ابریشم) برای پیوند آسیای شرقی و اروپا و تجارت بدون مانع. وی در کتاب خود به نام رؤیای چین به همگان اعلام داشت که یک اقتصاد جهانی قوی وابسته به رشد مشترک تمام کشورها است. همه کشورها باید از مشترک بودن سرنوشتشان آگاه باشند و به تأثیر زنجیره‌ای پی ببرند که وقتی کشوری سود می‌برد همه سود خواهند برد. زمانی که کتاب رؤیای چین را می‌خواندم و به این جمله آقای شی جینپینگ رسیدم، یاد استاد اقتصاد خودم در زمان دانشگاه در پکن افتادم. ایشان همیشه قبل از شروع کلاس جمله‌ای را با حروف بزرگ در تخته برای ما می‌نوشتند؛ منافع ما در گرو منافع کشور است. به فکر فرورفتم که فرهنگ‌سازی جمعی فکر کردن و به فکر منافع دیگری بودن در دانشگاه به ما آموزش داده شد و سپس در محیطی بزرگ‌تر توسط رهبر کشور این موضوع تعمیم پیدا کرد به تعامل با جهانیان. این است توسعه فرهنگی. امروزه بسیاری از جوامع دارای ثروت هستند به‌موازات آن برای قدرت می‌جنگند و یا قدرت دارند و می‌خواهند ثروتمند شوند زمانی که هر دو این دو پارامتر وجود داشته باشد به دنبال هویت خود می‌روند و امروزه چین در مسیر هویت‌سازی خود است.
- توسعه جمهوری خلق چین باهدف ایجاد محیطی برای رشد پایدارتر، توزیع عادلانه ثروت و بهبود زیر ساخت‌های اجتماعی

چرا جمهوری خلق چین؟ در سال ۱۹۹۶ در یکی از جلسات کنگره ملی چین خطاب به یکی از نمایندگان کنگره گفتم: باتوجه‌به اینکه محوریت کار شما فقط حمایت از سرمایه‌گذاران است، به نظرم نام جمهوری خلق چین باید به جمهوری سرمایه‌گذاری چین تغییر کند. ایشان با تأملی عمیق در پاسخ گفتند ما از سرمایه‌گذار حمایت می‌کنیم تا به خلق خدمت کرده باشیم. **باید سرمایه‌گذاری باشد تا چرخه اقتصادی خلق در گردش باشد** و در آنجا بود که باری دیگر به چشم‌اندازهای عمیق و هدف‌دار کشور چین ایمان راسخ پیدا کردم.

چه نتیجه‌ای از مدل چین می‌توان گرفت؟

ورود سرمایه خارجی، فناوری و دانش مدیریتی در سه دهه به چین این امکان را داد که منابع و فضای وسیع نیروی کار خود را به اهرمی برای رشد اقتصادی تبدیل کند و از نظر قدرت مالی و سیاسی به جایگاه ویژه‌ای دست یابد. امروزه، توازن قدرت جهانی به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله قدرت اقتصادی، تجارت و پایگاه صنعتی - دفاعی یک کشور که چین در هر کدام از این زمینه‌ها در حال برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای رسیدن به چشم‌اندازهایش است. به دلیل آنکه مدل اقتصادی چین بر پایه صادرات و واردات می‌باشد، مهم‌ترین هدف آن در سال‌های اخیر تمایل به صلح جهانی بوده است. رئیس‌جمهور فعلی چین آقای شی جینپینگ که برای سومین دور پیاپی به‌عنوان رئیس‌جمهوری این کشور انتخاب شد و هم‌زمان سومین دوره رهبری خود بر حزب کمونیست را نیز طی می‌کند که نشان از دانش مدیریتی وی بر تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و صنعتی کشورش دارد، در جهت ادامه مسیر اصلاحات دنگ شیائوپینگ در یکی از سخنرانی‌هایش در سال 2013 بیان کرده است توسعه و رشد چین فرصت‌های فراوانی به‌جای تهدید برای جهان به ارمغان می‌آورد و **رؤیای چین که می‌خواهیم تحقق بخشیم نه تنها به نفع مردم چین بلکه برای مردم همه کشورها سودمند خواهد بود.** وی جایگاه چین را در سال 2030 بر اساس چشم‌اندازهای دوره اصلاحات و رؤیای پیشبرد همکاری برد - برد، به‌عنوان قدرت اول اقتصادی جهان می‌بیند.

اگر دانش مدیریتی در این سه دهه سرنوشت‌ساز چین وجود نداشت تا این اندازه توسعه پیدا نمی‌کرد. در کل مقاله خود بارها از کلمه **مدیریت** استفاده کردم به این دلیل که وجود منابع و تلاش مضاعف نیروی کار برای پیشرفت کافی نیست باید مدیریت صحیح در بهره‌گیری از آن منابع و چینش صحیح نیروی کار وجود داشته باشد تا نتیجه حاصل شود. اقتصاد را همانند سدی در نظر بگیرید که حجم وسیعی از آب در پشت آن است. با مدیریت صحیح این سد، می‌توان به آبادانی رسید و یا ویرانی به بار آورد.

اگرچه چین جایگاه منحصربه‌فردی را در اقتصاد جهان به خود اختصاص داده است و جمعیت وسیع و اندازه فیزیکی بزرگ آن به‌تنهایی آن را به‌عنوان یک حضور قدرتمند جهانی نشان می‌دهد؛ **اما چگونه می‌توان به تجربه چین نگاه کرد و از آن در**

جهت شکوفایی اقتصادی ایران درس گرفت؟؟

«» برای پاسخ به این سؤال کمی به عقب بازمی‌گردم و نگاهی خواهم داشت به دوران سازندگی ریاست‌جمهوری مرحوم علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی

- ❖ اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب با نگرش سیاست‌باز اقتصادی و وضع قوانین ضد انحصار در این دولت انجام گرفت.
- ❖ در ابتدا دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از نظر اقتصادی با کسری بودجه شدید نزدیک به ۵۰ درصد مواجه بود، اما توانست بودجه را در طول دورانی هشت‌ساله به توازن برساند.

- ❖ از دیگر اولویتهای وی، بازسازی کشور و ترمیم زیر ساختها و خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی بود. براین اساس دولت سازندگی، بازسازی ویرانی‌های جنگ و توسعه اقتصادی را در اولویت کاری خود قرارداد و برنامه‌های داخلی خود را بر پایه سیاست تعدیل و توسعه صادرات (در مقابل واردات)، خصوصی‌سازی و جذب سرمایه‌های خارجی بنیان نهاد.
- ❖ ایشان تفکر اقتصادی دولت خود را بر مبنای حضور افراد فنی و مسلط به حوزه اقتصاد پیش برد تا در زمینه اجرایی و عملیاتی، مدیریت کشور از سمت چهره‌های صرفاً سیاسی به سمت افراد باتجربه فنی و اجرایی لازم در هر حوزه منتقل شود. این عمل سبب شد تا کشور در بخش‌های عمرانی و زیر ساختی با نظر سیاسی مدیریت نشود، بلکه حرف اول را دیدگاه فنی و کارشناسی بیان می‌کرد.
- ❖ به جهت نیاز ارزی کشور، استفاده از فاینانس و وام‌های خارجی به‌عنوان اهرم‌های مالی برای راه‌انداختن و سرعت‌بخشیدن به پروژه‌ها در داخل کشور در این دوران ضرورت پیدا کرد.

در ادامه اشاره‌ای خواهیم کرد به سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲

برای جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده بود:

توسعه‌یافته - برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری - امن، مستقل و مقتدر - دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی - دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

تمامی موارد فوق در خصوص چشم‌انداز ۲۰ساله و دوران سازندگی ایران، کلیدواژه‌هایی هستند که به‌اختصار ذکر شده‌اند. نکته جالب‌توجه این است که این موارد همچنین در چشم‌انداز کشورهای توسعه‌یافته‌ای نظیر چین مشاهده می‌شوند. **ایده مشابه**

اما عملکرد و نتیجه آن متفاوت

در دوران سازندگی توانایی‌ها و امکانات کشور در هر حوزه مشخص شد پس مسیر اقتصاد و راهکارهای توسعه آن نیز مشخص است؛ اما نیازمند **دانش مدیریتی** لازم برای پیشبرد صحیح آنها می‌باشد. ما باید ماهیت اقتصاد را از حیث مقرون‌به‌صرفه بودن، سرعت نسبی، کمیت و کیفیت نسبی در کشور خود نیز پیاده‌سازی کنیم. در جهت کاهش هزینه‌های تولید، صنایع و زنجیره تأمین باید **متمرکز** باشند. برای مثال چرا در صنعت فولادسازی، سنگ آهن موردنیاز از سنگان تأمین و حدوداً تنی 20 دلار برای حمل آن از سنگان به کارخانه‌های فولاد هزینه می‌شود؟ راهکار آن متمرکزشدن صنایع طبق یک زنجیره در یک منطقه اقتصادی است تا مقرون‌به‌صرفه باشند. گزارش‌های مسیر پیشرفت کشورهای توسعه‌یافته حاکی از آن است که آنها به دلیل **انبوه مواد اولیه** و بسترسازی برای استفاده صحیح از آنها توسعه پیدا کرده‌اند. برزیل را در نظر بگیرید که در زمینه دامپروری و داشتن محیط‌زیست سالم با اجرای برنامه‌ای تحت عنوان " رشد کشاورزی بدون جنگل‌زدایی " پیشرفت چشمگیری در زمینه کشاورزی داشته و به سومین صادرکننده بزرگ محصولات کشاورزی در جهان پس از اتحادیه اروپا تبدیل شده است. در دوران سازندگی، کشور ما نیز در زمینه سیمان به خودکفایی کامل رسیده بود. در سال 1378، مرحوم هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه

کارخانه سیمان قائم اظهار داشتند که در حال حاضر از لحاظ مصرف خودکفا شده‌ایم و آمادگی صادرات نیز خواهیم داشت و امیدواریم که در آینده، یکی از صادرکنندگان سیمان و یکی از سازندگان کارخانه‌های سیمان در دنیا باشیم. تمامی بسترها و نقشه‌های راه در آن دوران مشخص شده بود و «در حال حاضر نیازی به بازگشت به عقب و مسیرسازی مجدد نیست. ما می‌توانیم مسیرهای از پیش تعیین شده را ادامه دهیم و با هوشمندی آنها را مدیریت کنیم»

کشور ما دارای منابع معدنی فراوانی در زمینه‌های نفت، گاز، زغال‌سنگ، مس، سنگ آهن و... است که چه‌بسا برخی از آنها شاید هنوز کشف نشده باشند. ایران در منطقه‌ای واقع شده که کشورهای اطراف آن مانند ترکیه، عربستان سعودی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس دچار کمبود ذخایر معدنی هستند. در این کشورها عمده مواد اولیه در صنایعی مانند فولاد وارداتی است و ایران می‌تواند منبع خوبی برای تأمین نیازهای آنها محسوب شود.

ایران در زمینه محصولات کشاورزی نیز همانند زعفران، پسته، خرما می‌تواند بازار خوبی برای صادرات به کشورهای عراق، افغانستان، ترکیه و آذربایجان که تقاضای زیادی برای محصولات کشاورزی دارند باشد اما به دلیل وجود چالش‌هایی بر صادرات مانند تحریم‌ها، مشکلات حمل و نقل و تغییرات آب و هوایی میزان صادرات آن در سالهای اخیر به اندازه‌ای که شایسته است نبوده.

در جهان امروز علم به سرعت در مسیر پیشرفت قرار دارد و نیازمند به‌روز بودن تکنولوژی است. ما باید بر اساس نیازها، عرف و زمان جدید، انتخاب‌های معقولانه‌ای داشته باشیم نه اینکه بدون فکر گذشته را به حال پیوند بزنیم.

پس اولین قدم جذب سرمایه‌گذار خارجی و بهره‌بردن از فناوری‌های نوآورانه آنها می‌باشد. در دهه ابتدایی توسعه چین، تمام سرمایه‌گذاران آن چینی‌های مقیم خارج از کشور بودند. بسیاری از ایرانیانی که در حال حاضر دارای قدرت مالی و مدیریت به‌روز هستند نیز در خارج از ایران مقیم می‌باشند. با ایجاد بسترهای لازم، می‌توان از تجارب و منابع آنها که برگرفته از مدل اقتصادی کشورهای پیشرفته است بهره برد تا در مسیر توسعه کشور مورد استفاده قرار داد.

کلام آخر این است که در وضعیت کنونی، گره اقتصادی کشور با ادامه مسیر و چشم‌انداز دوران سازندگی از طریق بسترسازی، جذب سرمایه‌گذار خارجی و خصوصی‌سازی اقتصاد باز خواهد شد.

امید آن که روزی شاهد جایگاه کشورمان ایران به‌عنوان قدرت برتر اقتصادی باشیم.

امیر گفتاری

مهر 1403